

طالع
روزنامه

هرگاه می‌خواهیم پر سروصدا بودن جایی را مثال بزینم آن را به بازار مسگرها تشبیه می‌کنیم و می‌گوییم صدای نمی‌شنویم و مثل بازار مسگرها شده‌است؛ اما اینک در واقعیت صدایی از این بازار به گوش نمی‌رسد.

به گزارش ایرنا، مسگری یکی از حرفه‌های قدیمی است که روزگار گرد فراموشی و زوال بر چنین مشاغلی که جنبه هنری هم دارند پاشیده است.

کمتر کسی امروز از شغل‌هایی مانند حناسایی، شیشه‌گری و حتی کوزه‌گری جلوه‌ها و نمونه‌هایی می‌بیند و این شغل‌ها به دلیل عدم نیاز مردم و یا بی‌میلی شاغلان و استادکاران آن از بین رفته‌اند. جهرم، بازار مسگرها دارد و نام خانوادگی برخی افراد از این صنعت گرفته شده اما در این شهرستان فقط یک نفر مسگری می‌کند و این بیانگر حکایت مشاغل فراموش شده و در حال زوال است.

بحث از مشاغل فراموش شده که می‌شود، اولین واکنش ذهنی یا عملی به آن، جنبه اندوه خوردن به گذشته (نوستالژیک) است.

پیش مهمی از اقتصاد غیرحمایتی کشور را همین مشاغل فراموش شده تشکیل می‌داده‌اند و می‌توان گفت شغل‌های فراموش شده مسئله‌ای نوستالژیک نیستند و برخی از آنها با تمهیداتی می‌توانند جایگاه اقتصادی و فرهنگی داشته باشند.

یکی از ویژگی‌های عمده مشاغل فراموش شده، تولید محور بودن این مشاغل است که در این اوضاع بیکاری شاید راه‌اندازی کسب‌وکارهای سنتی به شیوه‌ای نو بتواند ضمن نقش در فعالیت گردشگری، در رونق هر شهری نیز تأثیرگذار باشد.

مهم‌ترین نکته درباره شغل‌های از یادرفته یا ناپود شده این است که آنها بر اساس نیاز مردم همان زمان به وجود آمده‌اند و حالا چون دیگر شکل زندگی عوض شده، کارکردی ندارند.

نام‌ها و بی‌نشانه‌ها

از دیگر سو بسیاری از مشاغل فراموش شده در ردیف صنایع‌دستی یا هنرهای بومی مناطق محسوب می‌شوند.

در متون و اشعار قرن چهارم از فرش دستیافت باکیفیتی به نام «جهرمیه» یاد شده که امروزه هیچ نشانی از آن در جهرم وجود ندارد.

شغل مردم هر ناحیه با جغرافیا و ویژگی‌های فیزیکی آن ارتباط زیادی دارد. شهر جهرم در گذشته به دلیل موقعیت جغرافیایی خاصی که داشته و دارد، خاستگاه هنرهایی بوده است که با دست و ذوق گروه‌خوردده‌اند؛ هنرهایی که حوصله می‌خواهد و مهارت و دلی سبک از هر رنگی.

شوری مائوس باهنرهای بافندگی همچون حصیریافی یا برگ نخل یا پیش بافی، ملکین دوزی یا گیوه‌بافی، بافت رویه ملکین (روورابی)، جاجیم‌بافی، سبدبافی (لوده‌بافی)، به‌طوری‌که برخی از این مشاغل، محل خاصی را در بازار قدیم جهرم داشته‌اند، مثلا راسته شرقی بازار جهرم، راسته



ملکین دوزان جهرمی بوده است. سفالگری، نمدمالی، کوزه‌گری و سنگ‌تراشی نیز از دیگر مشاغل جهرم بوده که امروزه نشانی از آنها در شهر نیست و مسگری و صنایع‌دستی با ضایعات نخل و لحاف‌دوزی به‌صورت انگشت‌شمار یا فردی، ادامه دارد.

مسگری از صنایع‌دستی مهم و کهن جهرم است که از گذشته این صنف بخشی از بازار شهر راسته‌ای داشته‌اند اما این شغل نیز روبه‌زوال است و تعداد محدودی از پیران شهر، این کار را دنبال می‌کنند.

نفس‌های آخر

برخی مشاغل در جهرم یا از بین رفته‌اند یا نفس‌های آخر را می‌کشند.

ورود کالاهایی که با شتاب در دسترس مردم قرار می‌گیرند و در مقایسه با کالاهای و صنایع‌دستی ارزان‌تر نیز هستند منجر به تغییر سبک زندگی و منسوخ شدن برخی مشاغل قدیمی شده است.

همچنین برخی صنایع‌دستی کاربرد خود را از دست‌داده‌اند یا اینکه فرزندان استادان این رشته‌ها پیگیر کار آبا و اجدادی خود نمی‌شوند و این موارد نیز به منسوخ شدن مشاغل منجر می‌شود.

ایرنا نمونه‌ای از مشاغل منسوخ‌شده یا در حال زوال جهرم را بررسی کرده است.

حصیری بافی

حصیری‌بافی به معنی بافت رشته‌های حاصل از الیاف گیاهی به کمک دست و ابزار ساده دستی است که طی آن محصولات مختلفی مانند زیرانداز، سفره حصیری، انواع سبد، انواع ظرف تولید می‌شود. ساخت حصیر با دست در مناطق مختلف ایران بسته به نوع مواد خام در دسترس با یکدیگر متفاوت است. برای نمونه در نوار جنوبی ایران از الیاف نخل خرما و در نوار شمالی ایران از ساقه‌های برنج استفاده می‌شود.

حصیری‌بافی در جهرم قدمت ۹۰۰ساله دارد؛ اما این روزها محصولات حصیری از شهرها و استان‌های دیگر چون کاشان و خوزستان وارد جهرم می‌شود.

این هنر در جهرم رو به فراموشی است و تعداد کسانی که از گذشته مانده‌اند و این هنر را بلد هستند و به شیوه سنتی کار می‌کنند، به انگشتان دودست هم نمی‌رسد.

یکی از این افراد، امادالله ایزدشناس است که نزدیک به ۴۰ سال است به شیوه سنتی با برگ نخل در جهرم حصیر می‌بافد. صمد شهبایی، دیگر هنرمند جهرمی نیز در این شیوه، دستی دارد.

گیوه‌های سنتی یا ملکین

ملکین نوعی گیوه بسیار محکم سنتی است که کف آن از کتان محکم، دور و پشت پاشنه آن از پوست گاو و روی آن از نخ پنبه (ریسمان) درست می‌شود و در قدیم زنانه و مردانه آن وجود داشت. ملکین به دلیل خنک بودن، جلوگیری از عرق کردن پا و سبک بودن در قدیم بسیار استفاده می‌شده است.

در کنار گیوه‌دوزی، مشاغلی دیگری چون دوزنده رویه ملکین معروف به رووراباف و شیوه کش و نخ‌ریس وجود داشته‌اند که هم‌اکنون این مشاغل در جهرم منسوخ‌شده‌اند.

در گذشته جهرم بیش از ده مغازه و در هر مغازه چندین نفر جوان و پیر مشغول دوخت ملکین بودند اما امروز تنها ۳کارگشته قدیمی هستند که هنوز پیشه قدیم خود را ادامه می‌دهند و مشغول دوخت ملکین هستند.

حاج حیدر که مغازه او ابتدای راسته پارچه‌فروشان بازار جهرم است؛ مشهدی ابراهیم فلامرزی در انتهای بازارچه صفایی جهرم در یک مغازه کوچک سال‌هاست ملکین می‌دوزد و حاج حسین کارگر که مغازه‌اش کنار کوچه ۹ خیابان ۱۷ شهرویر جهرم است.

حاج حسین ۵۵ سال است که ملکین دوزی محل امرامعاشش است. به سی‌امین سال کار هم که رسید هیچ‌گاه فکر بازنشستگی نکرد. او علی‌رغم علاقه‌اش به ملکین دوزی، این حرفه را به هیچ‌کس توصیه نمی‌کند، حتی دشمنش چون دیگر مشتری که هیچ‌حامی هم ندارد.

استاد حسین کارگر، ملکین دوزی را اکتسای یاد گرفته و پا جای پای پدرش گذاشته است؛ همان‌گونه که پدر پایش را با اطمینان جای پای پدر گذاشت و عاقبت‌به‌خیر شد؛ استاد حسین، هرچه یاد گرفته از پدر کسب کرده مانده پدرش و سایر اجدادش.

سنگ‌تراشی

کاری دشوار بوده که در گذشته، قطعه‌ای سنگ طبیعی و خشن که یا به‌صورت استخراج از معدن

ضرب‌المثل‌های جهان

عجیب‌ترین چیز در دنیا موفقیت احمق و شکست داناست.

دانمارکی

گزارش

صفحه
۵
شماره
۲۲۹۶
سال
یست و چهارم



عبور خیابان فرصت از وسط آن دوتکه شده است. در قدیم به دلیل پرسروصدا بودن مسگری و آهنگری، این دکان‌ها در انتهای بازار قدیمی جهرم بودند. ظاهراً قبلاً این قسمت بازار سفت نداشته است و بعداً با تکه‌های ایرانیت و حلبی آن را مسفت و شیروانی کرده‌اند.سقف‌های سیاه و دودزده مغازه‌ها و بازار مسگران از تاریخ چند صدساله بازار مسگری جهرم حکایت می‌کند.

در قدیم در گوشه دکان‌های سیاه شده از دود مسگری، همواره کوره و دمی کوچک از جنس پوست برّه وجود داشت که با زغال افروخته می‌شد و برای لجم کردن قطعات ساخته شده و همچنین سفید کردن ظروف مسی استفاده می‌شد که امروزه کوره‌های گازوئیلی و گازی جای آن‌ها را گرفته‌اند.

تعداد مسگران و آهنگران در این بازار اندک و رو به کاهش است، به‌طوری‌که در زمان حاضر تنها یک نفر کار مسگری می‌کند که علت این امر، عدم تمایل نسل جوان و تحصیل‌کرده امروز به کارها و صنایع‌دستی و گرایش به کار دفتری است، همچنین به علت وجود ظروف جدید، مثل تفلون یا مس‌های کارخانه‌ای، تولیدات آنها مثل گذشته خواهان ندارد.

عبدالرسول پورمند یکی از مسگران باسابقه جهرم، معتقد است این صنعت به شیوه سنتی در جهرم رو به انقراض و تنها فردی که هم‌اکنون در جهرم، ظروف مسی می‌سازد، امان‌الله شعبانی است.

امان‌الله شعبانی مسگری را از پدر خود محمد اسماعیل شعبانی که از اولین مس سازان جهرم بوده، فراگرفته؛ او سی سال است در مغازه خود، ورقه‌های فلزی مس را می‌کوبد و با مهارتی خاص، انواع وسایل را از آن می‌سازد اما سایر مسگران بازار کارهای نظیر تعمیرات، خریدوفروش ظروف مسی و رویی را انجام می‌دهند.

دکان‌های مسگری جهرم تا نزدیک به بیست سال پیش، بسیار فعال بودند اما به‌تدریج از رونق افتادند، به‌طوری‌که الان در بازار جهرم مغازه‌های انگشت‌شماری، تعمیر، فروش و سفیدگری مس دارند و مغازه‌های فروش ظروف چینی و رویی (معدنی) و پلاستیکی جای بقیه مسگران را گرفته‌اند.

تشک و لحاف‌دوزی

در ایام قدیم، استفاده از لحاف در جهرم مرسوم بوده است و هنوز هم به‌طور انگشت‌شمار لحاف دوزانی مشغول به این حرفه‌اند. آنها علاوه بر لحاف، تشک، بالش و متکا نیز درست می‌کنند و به‌علاوه، پنبه‌زنی یا به تعبیر جهرمی‌ها، پنبه هم چرخ می‌کنند. عمده‌ترین وسایل و ابزار کار یک لحاف‌دوز؛ نخ (نخ پنبه یا نخ ترکیبی از پنبه و نایلون) سوزن لحاف‌دوزی، چرخ یا کمان پنبه‌زنی و انگشتانه یا انگشت دانه است. برای دوخت یک لحاف ابتدا دو نوع پارچه که یکی به‌عنوان رویه و دیگری به‌عنوان آستر استفاده می‌شود، به سلیقه مشتری انتخاب می‌شود. رویه لحاف از به هم‌دوختن قطعات پارچه‌های ترمه، ساتن، مخمل یا پنبه‌ای رنگین مخمل و آستر آن از پارچه‌های ارزان‌قیمت مثل چلواری (کتان) یا تتران و متقال و چیت درست می‌شود.

نقش‌های معروف لحاف زمینه قلمکار و گل وسط و کناره یا حاشیه پهن است که از کتان ساده و رنگ‌های متفاوت درست می‌شود. درون لحاف را پشم یا پنبه‌ای که حلاج آن را زده است، می‌گذارند و پس از پر کردن و دوختن رویه آن، با چوب تشک صاف‌کن آن را صاف می‌کنند و سپس با سوزن لحاف‌دوزی که هفت‌تا ده سانتی‌متر است و نخ پنبه‌ای یا کتانی از وسط آن را می‌دوزند.

از لحاف دوزان جهرم یکی دو نفر در بازار سرپوشیده، خیابان آزادگان و کنار مسجد نو فعالیت دارند.

کاه‌گل کردن یا اندود کردن

بناهای قدیم جهرم اغلب گل‌اندود بودند و با خشت ساخته شده بودند. بناهای خشتی و پشت‌بام‌های کاه‌گلی لازم است تا هرچند سال یک‌بار، گل‌اندود شود تا درزاها و شکاف‌های آن گرفته شود. در دهه‌های قبل زمانی که گندم برداشت می‌کردند، مقداری کاه که از خرد کردن ساقه‌های گندم به‌دست‌آمده بود، انبار می‌کردند و برای اندود کردن دیوار و پشت‌بام‌ها که پوشش کاهگل داشت، استفاده می‌شد.

استادکاری نیز در جهرم بودند که شغلمان به تعبیر جهرمی‌ها، اندود دادن دیوار و بام‌ها بود.

جهرمی‌ها یا در تابستان یا بعد از برداشت محصولات، در اواخر مهرماه یا اوایل آبان ماه، پشت‌بام‌های خانه‌هایشان را با مخلوط گل و کاه، کاهگل می‌کردند.

تعمیر سقف‌های کاه‌گلی یا به‌اصطلاح اندود دادن ازجمله سنت‌ها و فعالیت‌هایی است که هنوز هم در روستاهای جهرم انجام می‌شود اما برخی از روستاییان از روش‌های امروزی ازجمله ایزوگام کردن پشت‌بام‌ها استفاده می‌کنند ولی برخی عقیده دارند کاه‌گل مقاومت بیشتری در برابر سرما و بارش برف و باران دارد.

یک روز قبل کاه و خاک را با هم به‌خوبی مخلوط و به آن آب اضافه می‌کردند تا برای روز بعد آماده باشد. بعدازاینکه به‌خوبی آب، جذب خاک می‌شد، آن را به‌خوبی ورز می‌دادند تا حدی که ملاط به بیل نخسبد و به‌راحتی جدا شود و درنهایت با اصول خاصی آن را به پشت‌بام می‌کشیدند تا عایق خوبی در برابر نفوذ رطوبت، گرما و سرما باشد.

صنایع‌دستی با هسته خرما

شاید بسیاری از نجارها بتوانند کارهای خاصی را با چوب انجام دهند؛ اما ساخت همه‌چیز با ضایعات نخل، آن هم در شهرستان، شاید اندکی دور از ذهن باشد. در حال حاضر، شهرستان جهرم یکی از قطب‌های مهم تولید خرما در استان فارس به شمار می‌رود و ضایعات نخل، به بخش‌هایی چون: هسته خرما، گرز (چوبی که‌برگ‌های نخل به آن چسبیده)، دنباله و انتهای برگ نخل که پس از بریدن برگ، متصل به نخل باقی می‌ماند (تُوختَک)، تنه درخت نخل (میخینه)، خوشه نخل (پَنگ)، لیف خرما (پیریچه) و… که استفاده خاصی ندارد و معمولاً دور ریخته می‌شوند.

ضایعات نخل در ساخت چوب مصنوعی و ورقه‌های تئوپان، تولید خوراک دام از سرشاخه‌ها، تولید کاغذ و کود گیاهی استفاده می‌شود؛ اما قدرت‌الله مرقوقی، درودگر پیرجهرمی، نخستین کسی است که زیبایی‌های نخل را به خانه‌اش که کارگاهش نیز است کشانده و موفق شده تزیینات ساخته شده از هسته‌های خرما و ضایعات نخل را در بازارهای داخلی و خارجی به فروش برساند. وی پنجاه سال است با ضایعات نخل به‌ویژه هسته خرما، انواع وسایل منزل، دکوری می‌سازد. هنر وی را نیز در جهرم جز خودش، فرد دیگری ادامه نداده است.

مجسمه‌سازی و صنایع‌دستی با چوب نخل

در این شیوه در زمان حاضر تنها یک نفر به نام صمد شهبایی در جهرم کار می‌کند. وی مجسمه‌های چوبی با دُمبرگ نخل (در لهجه جهرمی توختک) می‌سازد. وی بدون آموزش به خاطر علاقه و ذوقی که از دوران کودکی داشته، به این کار هنری پرداخته و در آن استاد شده است.

وی بیش از ۱۵ سال است که به‌صورت حرفه‌ای به این کار مشغول است و در هنرهای دیگری مانند دوخت گیوه، قلاب‌بافی و منجوق بافی، حصیریافی، تراش سنگ و ساخت تابلوهای سنگی، نقاشی با شن و ماسه روی شیشه و ساخت مجسمه با گل فعالیت دارد. بالاین‌حال، شغل اصلی صمد شهبایی، بتایی است اما نمایشگاه آثارش برای بازدیدی عموم در منزل مسکونی‌اش برپاست.

صداهایی که دیگر پژواک ندارد

بوده یا با برداشتن و حذف کنترل شده بخش‌هایی از سنگ، به آن شکل می‌دهند.

سنگ‌تراشی به دلیل پایداری سنگ، از دوران پیش‌ازتاریخ تاکنون ادامه یافته است.

سنگ‌تراشی و کوه‌کنی یکی از مشاغل دشوار جهرمی‌ها در گذشته بوده که امروزه وجود ندارد. یکی از بزرگ‌ترین غارهای دست‌ساز دنیا یعنی غار «سنگ‌اشکن» جهرم به دلیل استحصال سنگ به وجود آمد.

«کوه‌کن»، «سنگتراش»، «کارگر» و «نقش‌وار»، پاره‌ای از نام‌های خانوادگی امروزی جهرمی‌اند

که به دلیل پیشه سنگ تراشان غار سنگ اشکن، انتخاب شده‌اند.

از آخرین بازماندگان نسل سنگ تراشان این غار که نامشان برای ما به یادگار مانده، به افرادی چون: خواجه اسداللهی، خواجه نورالله، خواجه فتح‌الله، خواجه نصرالله، استاد علی‌اکبر، استاد تقی، حاج نقش وار جهرمی، عزت‌الله نقش‌وار، نوازالله نقش‌وار، اسماعیل‌خان کوهکن و آقا رضا کوهکن (معروف به سنگتراش؛ صاحب‌خانه تاریخی کوهکن که در ساخت آن از سنگ‌های همین غار استفاده‌شده است)، می‌توان اشاره کرد.



مهم‌ترین وسایلی که سنگ‌شکنان و سنگ‌تراشان به کار می‌برندند، اژدهای دوسر، پتک، چکش، اهرم، تیشه، انواع سوهان، قلم، نخ و دوده، دریل‌های کوچک دستی بوده است. از سنگ‌ها به خاطر شکل‌پذیری بهتر، برای کارهای تزیینی به‌عنوان نمای ساختمان‌ها و سردرها، پنجره‌های مشبک، فرش حیاط و سکو‌ها، سنگ‌قبر، کتیبه‌های سنگی، شیر سنگی، آب چک، نادوان، نهر یا حوض سنگی، پله، رخ‌بام، هاون سنگی، دیگ‌های سنگی، مجسمه‌های شیر، خمره‌های سنگی استفاده می‌شد.

نمک جویی و نمک‌فروشی

در قدیم در جهرم افرادی به‌عنوان «نمک جو» معروف به نمکی، به معدن نمک کوه شاعلمدار جهرم می‌رفتند. این افراد «نمک جویی» می‌کردند یعنی سنگ نمک‌هایی را که بزرگ و بلور یعنی شفاف و آینه‌ای بود برای مصارف خانگی با دست می‌کنند و اغلب به‌صورت دوده گرد به در خانه‌ها می‌رفتند و سنگ نمک‌ها را به فروش می‌رساندند.

برای جداسازی ناخالصی‌ها از نمک شاعلمدار، از قدیم همه نمک را در کیسه روی برنج می‌گذاشتند یا نانواها اول آب‌نمک درست می‌کردند تا ناخالصی‌هایی نمک ته‌نشین شود و آب‌نمک را برای طبخ نان به آرد می‌افزودند و هیچ‌وقت سنگ نمک به‌صورت مستقیم و بلافاصله استفاده نمی‌شد. هرچند کم‌وبیش هنوز سنگ نمک‌هایی از معدن شاعلمدار جهرم به مغازه‌های اشهر راه می‌یابد و اگرچه در کیفیت این نمک‌ها اماواگرهای فراوانی وجود دارد، اما نمک‌فروش و نمک جو به‌صورت قدیم در جهرم وجود ندارد.

کوکوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه فروش

از این پیشه فقط نام محلی در جهرم به نام «کوزه‌گرخانه» باقی‌مانده است. هنر سفال‌سازی از صنایع قدیمی شهرستان جهرم بود که تا سی سال قبل یاگذر ۱۰ نفر مشغول به این کار بودند و نیازهای مردم را تأمین می‌کردند، اما با توجه به عدم استفاده مردم از ظروف گلی، این هنر باقی نماند. صنعتگران و سفالگران شهر جهرم در زمان‌های پیشین با گل کوزه‌گری که از منطقه‌ای به نام تُل سرخ می‌آوردند، انواع کوزه (سعرک)، گلدان، پیچینی (ظرفی برای نگهداری میوه)، تغار، فلک، نان‌دان، قلیان و سرقلیان، کاسه، لیوان، خُمره، دیزی و حتی اسباب‌بازی کودکان می‌ساختند و لعاب می‌دادند.

تا چندی پیش کارگاه و کوره‌های سفال در شهرک شهید سحرخیز (چارطاقی) در دامنه و تپه کوره‌هایی دیده می‌شد که زمانی مرکز سفال‌گری و کوزه‌گری بوده؛ کارگاه‌هایی کوچک و سنتی با چرخ‌های سفال‌گری قدیمی که اکنون کاملاً منسوخ شده است.

صنایع‌دستی با تره که انار

در قدیم با چوب یا تره که نازک و تازه درخت انار در جهرم ایزاری چون لوده (سبد)، گیره، وردنه (چوبه)، تخته نان پزی، چرخ نغریسی (پژّه یا چرخه)، می‌ساختند.

لوده در لهجه جهرمی به معنی سبد بزرگ است که برای نگهداشتن میوه و موارد دیگر به کار می‌رفته که از بافتن چند تره که با چوب انار یا بادام‌کوهی (جرگه یا الوک) ساخته می‌شده است. این لوده‌ها به شکل‌های مختلف و برای مصارف گوناگونی ساخته می‌شدند. خود لوده، خورجین، سر بریزه‌ای، دم کش، سبد برای نگهداری نان و ده‌ها نوع دیگر ازجمله شکل‌های مختلف لوده‌ها هستند. لوده بافی در گذشته از مشاغلی بوده که هم در شهر و روستای شهرستان جهرم وجود داشته؛ ولی در حال حاضر دیگر کسی به این حرفه مشغول نیست. گیره نیز سرپوش مدوری از جنس تره که انار بود که در قدیم ظرف‌های غذا را زیر آن می‌گذاشتند تا از دسترس حیوانات خانگی و حشرات دور باشد.

نمدبافی و صنایع‌دستی با پشم و موی بز

در گذشته مشاغلی نیز بوده که شاغلان این حرفه با موی بز که آن را تبدیل به نخ می‌کرده‌اند، وسایل و ابزارمی‌ساخته‌اند.

ازجمله این وسایل به جوال، جُلک، زُووار یا رووال، شیوه، کلاه نمدی، کُرَدک و زیرانداز نمدی می‌توان اشاره کرد. جوال کیسه بزرگی برای حمل آرد و گندم بوده است که از نخ و موی بز بافته می‌شد و آن را روی چهارپایانی مانند الاغ می‌گذاشتند. جلک نیز بافته‌ای از موی بز برای حمل جوال بود که دو طرف آن را روی الاغ می‌گذاشتند. رووار نیز همان رویه بافته شده از موی بز بود که بانوان می‌بافتند. شیوه نیز تخت گیوه بود که از چندلایه از جنس پارچه دپیت یا کتان کهنه، جین و موی بز درست می‌شد. کلاه نمدی نیز نوعی کلاه استوانه‌ای شکل بود که با نمد درست می‌شد و هم‌اکنون نیز برخی عشایر و طوایف از آن استفاده می‌کنند. کرَدک نوعی پوشاک است که نمدمالان آن را از پشم و موی بزدرست می‌کردند و چوپانان هنگام سرما و بارندگی آن را روی دوش می‌انداختند. نمد نیز زیراندازی از مو و پشم بوده که در قدیم کارگاه‌های نمدمالی در جهرم برای ساخت آن جود داشته و اکنون از بین رفته است.

مسگری و تنها یک نفر

نشانه‌های قدمت پیشه مسگری را در جهرم در برخی از مظاهر فرهنگی زندگی جهرمی‌ها هم می‌توان دید. برخی خاندان‌ها مثل «شعبانی» یا «کلوانی» و «پورمند» که نسل‌اندر نسل، شغلمان مسگری بوده و البته امروز از هرکدام فقط یک نفر در کار مس است؛ یا برخی نام‌های خانوادگی جهرمی مثل؛ «مسگرزادگان» یا بعضی محلات قدیمی جهرم مثل؛ «کلوان» که در گذشته محل زندگی اغلب مسگران و نزدیک به بازار مسگران بوده‌اند یا سازندگان عَلَم و کُتل و سَرطوق‌های مسی عزاداری‌های محرم و صفر از نشانه‌های این حرفه است.

بازار مسگران جهرم در انتهای شرقی بازار اصلی سرپوشیده است و در حال حاضر به خاطر